

رسیدگی به اختلافات در هیأت داوری با تأکید بر امکان صدور قرار اناطه

پریسا خدایاری^۱ / محمود پاکباز کتج^۲

* نوع مقاله: پژوهشی / تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۲۹

چکیده

نهادهای مالی در بازار سرمایه بر اساس قانون و مقررات با سایر اجزای این بازار و یا فی مابین ارکان خود، در ارتباط اند. نقض این قوانین و مقررات موجب بروز ناهنجاری‌هایی در نظام حاکم بر آن‌ها می‌گردد که می‌تواند موجب بروز جرائم یا تخلفاتی گردد و پیگرد قانونی و به تبع آن مجازات و تنبیهات انضباطی را در پی داشته باشد. گاهی نیز میان ارکان نهادهای مالی در ارتباط با یکدیگر یا اشخاص ثالث ممکن است، اختلافاتی بروز کند که لزوماً ناشی از نقض مقررات کیفری نیست اما به نظم و کارایی آن‌ها آسیب می‌زند. به هر رو به منظور تضمین حقوق سرمایه‌گذاران و تنظیم روابط سایر اجزای آن‌ها، علاوه بر مجموعه مقررات و ضوابط، ضمانت اجرای قضایی و شبه قضایی نیز در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده است. در این مقاله بر ماهیت هیئت داوری بورس و جایگاه آن در نظام قضایی ایران، حدود صلاحیت آن، قابلیت اعتراض آرا و امکان صدور قرار اناطه برای رسیدگی به تخلف در مراجع اداری یا انضباطی را بررسی کنیم.

واژگان کلیدی: تخلف، جرم، اختلاف، مراجع رسیدگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دکتری تخصصی مدیریت مالی، حقوق مالی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد. (نویسنده مسئول)
p.khodayari95@gmail.com

^۲ دکتری تخصصی مدیریت مالی، مهندسی مالی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری، دانشگاه یزد.
pakbazmohmood@yahoo.com



مقدمه

در جامعه حقوقی هر کشوری در کنار هر عقد و قراردادی که منعقد می‌گردد، عده‌ای از اشخاص و نهادهای مالی هستند که موجب حدوث اختلاف بین متعاملین عقود یا طرفین قرارداد می‌شوند و به عبارتی دیگر، هر جا قراردادی منعقد گردد، احتمال حدوث اختلاف به شکل‌های گوناگون وجود دارد. بازار سرمایه نیز به عنوان رکن اصلی اقتصاد هر کشور پیوند ناگسزیری با این مطلب دارد و با توجه به ویژگی‌های خاصی که این بازار دارد، اقتضات ویژه‌ی خود را نیز می‌طلبد. یکی از این مقتضیات، برخورداری از نظام حل و فصل اختلافات مستقل و تخصصی است تا با به کارگیری شیوه‌ها و سازوکارهای حل و فصل اختلاف مناسب و کارآمد، اختلافات میان نهادهای مالی و فعالان بورسی را در اسرع وقت و با هزینه کم حل و فصل کند.^۱ مقررات و قوانین موجود در بازار سرمایه از حیث مراجع و نحوه رسیدگی و سازوکارهای حل و فصل اختلاف به صورت مقررات عمومی است و شامل کلیه فعالان بازار سرمایه می‌باشد. به طور کلی درباره هیئت داورى بورس سه سؤال اساسی وجود دارد که در این مقاله سعی بر این است به این سه سؤال پاسخ داده شود: اول اینکه حدود صلاحیت هیئت داورى صرفاً محدود به اختلافات اشخاص مذکور در ماده ۳۶ ناشی از فعالیت حرفه‌ای است یا هر گونه اختلافی که فی ما بین فعالان بازار سرمایه پیش بیاید را در بر می‌گیرد؟ دوم؛ آیا امکان تجدید نظر خواهی از آراء هیئت داورى وجود دارد یا خیر و در صورت وجود، مرجع صالح برای تجدید نظر خواهی از آراء هیئت داورى کجاست؟ سوم اینکه آیا هیئت داورى سازمان بورس و اوراق بهادار می‌تواند قرار اناطه برای رسیدگی تخلف در مراجع تخلفاتی (که مرجعی اداری یا انضباطی محسوب می‌شود) صادر نماید؟

۱- مبانی نظری

«اختلاف» در کنار «جرم» و «تخلف» در شمار ناهنجاری‌های میان فعالان بازار سرمایه قرار می‌گیرد. نهادهای مالی در اجرای وظایف و مسئولیت‌های خود نیاز به نظارت یک مرجع بالادستی دارند که هم در صورت وقوع اختلاف به آن مرجع مراجعه گردد و هم در صورت تخلف ضمانت اجراهای موجود در قوانین را اجرا نمایند. حال آنکه این شرکت‌ها شرکت‌های تخصصی می‌باشند و نمی‌توان مانند شرکت‌های موجود در قانون تجارت وظیفه نظارت بر آن‌ها را بر عهده محاکم عام دانست و نیازمند مراجع تخصصی می‌باشند.

^۱ عبدی پور فرد، ابراهیم، مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت، انتشارات: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳، ص ۲۱۵.



۱-۱- جرائم و تخلفات حقوقی

جرائم و تخلفات آن دسته از افعال یا ترک فعل‌هایی هستند که برابر قانون یا مقررات دیگر مستوجب مجازات یا تنبیهای انضباطی می‌گردند با این تفاوت که جرم صرفاً فعل یا ترک فعلی است که به موجب قانون مصوب قوه مقننه قابل مجازات است ولی تخلف فعل یا ترک فعلی است که می‌تواند به استناد قانون و یا مقررات مادون آن یعنی آیین‌نامه، دستورالعمل، بخشنامه و ... عکس‌العمل کیفری از نوع تنبیهای انضباطی را در پی داشته باشد. بدیهی است که به همین سبب مرجع رسیدگی و شیوه دادرسی این دو نیز با یکدیگر متفاوت هستند.

۱-۱-۱- جرائم

در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده جرم شناخته شده است در مجموعه قوانین ناظر به بازار سرمایه، فصل ششم قانون بازار با عنوان جرائم و مجازات‌ها، سعی کرده تا عمده رفتارهایی که موجب اختلال در بازار سرمایه می‌شوند را با در نظر گرفتن مجازات جرم تلقی کند.

حقوق و مطالعات نوین

۱-۱-۲- تخلفات

هر چند ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار بدون هیچ تعریفی از تخلف انضباطی صرفاً در مقام تعیین مراجع صالح رسیدگی آن برآمده است اما ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید نهادهای مالی و اشخاصی که به عنوان مدیران آن‌ها انتخاب می‌شوند را در صورت نقض قوانین و مقررات مربوط به فعالیتشان، متخلف محسوب نموده و علاوه بر اقدامات انضباطی مندرج در مواد ۷ و ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار، اخذ جریمه نقدی از ده میلیون تا یک میلیارد ریال به حساب خزانه را نیز تعیین کرده است؛ اما ماده ۲ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات ماده ۳۵ فوق‌الذکر و همچنین ماده ۲ دستورالعمل موضوع مواد ۱۸ آیین‌نامه اجرایی همین قانون با صراحت، تخلف را چنین تعریف کرده‌اند: «هرگونه فعل یا ترک فعلی که منجر به نقض قوانین و مقررات بازار سرمایه از قبیل قانون بازار اوراق بهادار، مصوبات شورای عالی بورس، سازمان بورس و اوراق بهادار، بورس‌ها و یا تشکلهای خود انتظام گردد تخلف محسوب می‌شود».



۱-۱-۳- مرجع رسیدگی جرایم و تخلفات

در خصوص جرائم با عنایت به اینکه اصل ۳۶ قانون اساسی بیان می‌کند: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» لذا رسیدگی به جرایمی که در بازار سرمایه متوجه فعالیت نهادهای مالی است صرفاً در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است و به استناد تبصره ۳ ماده ۱۴ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید، سازمان بورس و اوراق بهادار با ارائه گزارش جرائم مزبور به قوه قضائیه در حکم ضابطان دادگستری عمل خواهد کرد و به استناد ماده ۱۶ همین قانون در صورت درخواست سازمان، کلیه اشخاص تحت نظارت از جمله نهادهای مالی موظف به ارائه اسناد، مدارک، اطلاعات و گزارش‌های مورد نظر می‌باشند.

اما در خصوص تخلفات، از آنجا که همه نهادهای مالی در اعداد اعضای پذیرفته شده «بورس» قرار نمی‌گیرند و نهادهای مالی عضو بورس طبق قانون در نزد شرکت بورس اوراق بهادار یا هر یک از بورس‌های دیگر به عنوان عضو پذیرفته شده باشند و تحت نظارت مدیریت امور اعضای بورس فعالیت کنند مشمول اشخاص ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار می‌گردند و در مرحله بدوی، کمیته رسیدگی به تخلفات موضوع این ماده صلاحیت رسیدگی به تخلفات آن‌ها را دارد؛ بی‌شک مرجع رسیدگی نهادهای مالی غیر عضو در بورس‌ها هیئت رسیدگی به تخلفات اشخاص موضوع ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون بازار هم نیست چون این مرجع صراحتاً جهت رسیدگی به تخلفات مدیران و ارکان تشکل‌های خود انتظام پیش‌بینی شده است. لذا باید گفت مرجع رسیدگی به تخلفات این نهادهای مالی سازمان بورس و اوراق بهادار است و تا زمانی که مرجع صلاحیت‌دار بدوی در این خصوص تعیین نگردد هیئت مدیره سازمان به‌عنوان مرجع نهایی کلیه مراجع رسیدگی به تخلفات، صالح به رسیدگی نسبت به تخلفات مربوط به این نهاد مالی است.

۱-۲- اختلافات

اختلاف در ادبیات حقوق بازار سرمایه به دعاوی حقوقی که ناظر به تزییع حقوق مدنی یا تجاری اشخاص هستند و مدعی خصوصی دارند اطلاق می‌شود. ماده ۳۶ قانون بازار مقرر می‌دارد: «اختلاف بین کارگزاران، بازارگردانان، کارگزار/معامله‌گران، مشاوران سرمایه‌گذاری، ناشران، سرمایه‌گذاران و سایر اشخاص ذی‌ربط ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها، در صورت عدم سازش در کانون‌ها، توسط هیئت داورى رسیدگی می‌شود». طبق ماده مذکور اختلافات مختص کارگزاران، فروشنده‌گان و



خریداران نمی‌باشد و شامل فعالیت حرفه‌ای سایر نهادهای فعال در بازار سرمایه نیز می‌شود.^۱ از دیدگاه برخی نویسندگان فعالیت حرفه‌ای چنین تعریف شده است: «هر نوع فعالیت و حق قانونی فعالان بازار سرمایه که بتواند در حیطه صلاحیت حرفه‌ای که ناشی از موضوع فعالیت قانونی آن‌هاست، قرار بگیرد».^۲ ظاهراً از لحن بیان و عباراتی که قانون‌گذار در ماده فوق‌الذکر بهره‌جسته چنین بر می‌آید که ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار ناظر به اختلافات اشخاص که دست‌اندرکار فعالیت‌های بورس نیستند و به طور غیرحرفه‌ای در بازار سرمایه فعالیت می‌کنند نمی‌گردد؛ اما شاید بتوان گفت در اینجا قانون‌گذار به فعالیت، وصف حرفه‌ای داده است و نه به اشخاص دخیل در این فعالیت‌ها، چون در غیر این صورت باید از اصطلاح «فعالان حرفه‌ای» بهره می‌گرفت نه «فعالیت حرفه‌ای» و بر این اساس می‌توان گفت همین که فعالیت انجام شده از حیث ماهیت، به حرف و مشاغل بازار سرمایه مرتبط باشد فعالیت حرفه‌ای این بازار تلقی می‌گردد. در هر رو جهت تشخیص اختلافات حقوقی ناظر به نهادهای مالی، باید به کلیه دعاوی حقوقی که عوامل نهادها نسبت به یکدیگر می‌یابند و معمولاً ناشی از نقض مقررات و یا تعهدات طرفین است نظر داشت که ضمانت اجرای این اختلافات معمولاً حکم به جبران خسارت مدعی است و با گذشت وی نیز دعوی اختلاف مزبور منتفی می‌گردد.

حقوق و مطالعات نوین

۱-۲-۱- مرجع رسیدگی اختلافات

به نظر می‌رسد هرگونه اختلاف بین نهادهای مالی با سایر اشخاص ذی‌ربط که از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها نشئت می‌گیرد باید مشمول اختلافات مورد نظر ماده ۳۶، قانون بازار اوراق بهادار دانست که حسب حکم این ماده اختلافات مزبور باید نخست به کمیته سازش یکی از کانون‌های فعال در بازار سرمایه ارجاع گردد و چنانچه سازش حاصل نشد حل‌وفصل ترافعی این اختلافات به هیئت داورى فرستاده شود.

۱-۱-۲-۱- هیئت داورى

در ماده‌ی ۳۷ قانون بازار این‌گونه عنوان شده: «هیئت داورى متشکل از سه عضو می‌باشد که یک عضو توسط رئیس قوه قضائیه از بین قضات با تجربه و دو عضو از بین صاحب‌نظران در زمینه‌های

^۱ سوادکوهی، سام، هیئت داورى بازار اوراق بهادار، تهران: انتشارات بورس، ۱۳۸۸، ص ۵۱.

^۲ میرزائی منفرد، غلامعلی، سازوکارهای حل‌وفصل اختلافات در بازار سرمایه ایران، تهران: انتشارات بورس، ۱۳۸۷، ص ۷۹.



اقتصادی و مالی به پیشنهاد سازمان بورس و تأیید شورای عالی بورس به اختلافات رسیدگی می‌نماید. رئیس قوه قضاییه و سازمان با تأیید شورا علاوه بر نماینده‌ی اصلی خود، هریک، عضو علی‌البدل تعیین و معرفی می‌نمایند تا در صورت غیبت عضو اصلی مربوط در هیئت داورى شرکت نماید. شرایط عضو علی‌البدل همانند عضو اصلی می‌باشد».

الف. صلاحیت و ماهیت هیئت داورى:

در رابطه با صلاحیت هیئت داورى بیان مطالب ذیل حائز اهمیت است:

۱. در صورتیکه رسیدگی به امری مطابق مقررات قانونی از مرجعی درخواست شده باشد، مرجع مزبور، چنانچه در رسیدگی به امر مطروحه صالح باشد و یا به عبارتی دیگر به موجب قانون مأمور رسیدگی به آن امر باشد، تکلیف و در عین حال توانایی دارد تا نسبت به آن رسیدگی و به صدور رأی اقدام نماید. در این راستا و در تأیید آن، قانون بازار اوراق بهادار نیز در ماده ۳۶ رسیدگی به اختلافات حاصله میان فعالان بازار سرمایه را در صلاحیت هیئت داورى دانسته است.

۲. بررسی مواد قانونی در این رابطه نشان می‌دهد، صلاحیت اعطاء شده از طرف قانون به هیئت داورى که همان صلاحیت رسیدگی به اختلافات حرفه‌ای فعالان بازار سرمایه است، جنبه‌ی امری و ذاتی دارد، بنابراین نمی‌شود با تراضی، برخلاف آن، مرجعی دیگر را برای این امور تعیین نمود. به عبارتی بهتر، در صورت حدوث اختلاف بین فعالان بازار اوراق بهادار موضوع ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار ناشی از فعالیت حرفه‌ای آن‌ها در صورت عدم سازش در کانون‌های مربوطه، فقط هیئت داورى صالح به رسیدگی به این پرونده‌ها بوده و دادگاه‌های عمومی نمی‌توانند به این دعاوی رسیدگی کنند.

۳. هیئت داورى صرفاً صلاحیت ذاتی در رسیدگی به اختلافات حرفه‌ای بازار سرمایه را عهده‌دار است و هرگونه رسیدگی به جرائم ارتكابی در این حوزه از صلاحیت این هیئت خارج است.

اما در خصوص ماهیت داورى، دقت نظر در مواد قانونی، ویژگی‌های موجود در این زمینه و توجه به مطالب فوق، نتایج ذیل را به همراه دارد:

۱. هیئت داورى، یک مرجع قضایی به معنای اخص نیست، زیرا دو عضو از اعضای آن، غیر قضایی بوده و به علاوه منصوب قوه‌ی مجریه‌اند نه قضائیه.



۲. هیئت داوری یک مرجع داوری در اصطلاح خاص حقوقی آن نیست^۱، زیرا رجوع به داوری به معنای موجود در مواد آیین دادرسی مدنی، به صورت اختیاری است که طرفین می‌توانند یا ضمن قرارداد یا با قرارداد جداگانه و یا بعد از حدوث اختلاف، به داوری مراجعه نمایند؛ اما در هیئت داوری، منشأ مراجعه به آن، با تراضی و قرارداد ایجاد نمی‌گردد، بلکه با امر قانون است. همچنین از حیث منشأ اعتبار اعضاء، عدم تقید به زمان در رسیدگی‌ها، عدم دریافت حق الزحمه از طرفین دعوا، وجود آیین رسیدگی مشخص، عدم امکان تغییر تعداد داوران، امکان رسیدگی به دعاوی علیه شرکت‌های دولتی، امکان اظهارنظر نسبت به اصل معامله، عدم امکان رد اعضاء با توافق طرفین دعوا و اجرای آراء با داوری اختیاری مندرج در آیین دادرسی مدنی تفاوت دارد.

۳. باید اذعان داشت، داوری در بورس از مصادیق داوری اجباری نیز نیست، چراکه رأی داور - در معنای غیر از بورسی آن - اعتبار خود را از توافق اراده طرفین می‌گیرد و تابع آن است؛ یعنی طرفین داوری، خود اقدام به تعیین صلاحیت داوری نموده و به طور کلی، تمام آنچه به داوری مربوط می‌شود، می‌تواند توسط طرفین مورد توافق قرار گیرد؛ بنابراین در صورت مخدوش بودن این توافق، به رأی داور نیز بی‌اعتبار می‌گردد؛ در حالی که در هیئت داوری، رأی صادره از اعتبار و پشتوانه قانونی برخوردار و توافق و تراضی در آن بی‌تأثیر است. از سوی دیگر، داوری جنبه‌ی خصوصی دارد و نهادی خصوصی و غیردولتی است، در حالی که هیئت داوری موضوع ماده ۳۷ قانون بازار، جزء تشکیلات سازمان بورس و اوراق بهادار می‌باشد.

با بیان توضیحات مذکور، در رابطه با ماهیت هیئت داوری در بازار سرمایه و اوراق بهادار باید گفت: اولاً: با توجه به اینکه به هیئت مذکور، وظیفه‌ی رسیدگی به اختلافات بین فعالان بازار سرمایه را بر عهده دارد و رسیدگی آن، دارای جنبه‌ی قضایی است نه استصوابی و ارشادی، لذا مرجع قضایی اختصاصی حقوقی (شبه قضایی) است. ثانیاً: نظر به تخصصی بودن موضوع اختلافات مطروحه و مورد رسیدگی در این هیئت و نیز صلاحیت صرفاً حقوقی آن، باید آن را مرجعی اختصاصی در نظر گرفت، چراکه همانند دادگستری، مرجع رسیدگی به تظلمات عمومی نیست و همچنین در رسیدگی به جرایم و تخلفات ارتكابی صالح نمی‌باشد.

ثالثاً: انتخاب کلیه اعضاء هیئت داوری همان‌طور که گفته شد توسط قوه قضائیه انجام نمی‌پذیرد و صرفاً یک عضو آن منصوب رئیس قوه قضائیه می‌باشد، لذا نمی‌توان آن را مرجعی مربوط به

^۱ سلطانی، محمد، حقوق بازار سرمایه، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و علوم انسانی، ۱۳۹۵، ص ۳۳۶.



دادگستری دانست، بلکه مرجعی غیر دادگستری^۱ است.^۲ در نتیجه‌ی این مطالب، هیئت داوری، یک مرجع قضایی اختصاصی حقوقی است که صلاحیت استثنایی و در حدود و نصوص مقرر در قانون را دارد و در موارد تردید باید به قواعد و صلاحیت عمومی مراجع دادگستری رجوع کرد.

ب. امکان صدور قرار اناطه:

مسئله شکلی و از مباحث آیین دادرسی عبارت از این است که هیئت داوری در مواردی که صدور رأی در پرونده منوط به بررسی موضوع از حیث وقوع تخلف از مقررات است آیا می‌تواند قرار اناطه صادر نماید و تصمیم‌گیری در پرونده را منوط به اعلام نظر مرجع رسیدگی به تخلفات نماید یا اینکه قرار اناطه مختص پرونده‌های حقوقی مطرح در دادگاه‌ها بوده و صدور چنین قراری مستلزم تصریح در قوانین و مقررات است. چنانچه احراز تخلف خواننده مؤثر در رأی باشد آیا نمی‌توان صدور رأی را تا رسیدگی به تخلف و مشخص شدن نتیجه آن به تعویق انداخت؟ به تعبیر دیگر آیا در چنین مواردی می‌توان قرار اناطه صادر نمود؟ در این صورت آیا تفاوت در صلاحیت مراجع رسیدگی به تخلفات در امکان صدور قرار اناطه دخیل است؟ همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد هیئت داوری سازمان بورس و اوراق بهادار در طبقه‌بندی مراجع رسیدگی، به عنوان مرجع اختصاصی غیر دادگستری شناخته می‌شود. هر چند در قوانین مقررات، آیین رسیدگی در هیئت داوری مشخص نشده است اما بر اساس رویه جاری (که از بررسی آرای متعدد هیئت داوری به دست می‌آید)، حتی‌المقدور مطابق آیین دادرسی مدنی عمل می‌شود، لذا پاسخ به پرسش فوق را در چهارچوب آیین دادرسی مدنی بررسی می‌کنیم. به موجب ماده ۱۹ آیین دادرسی مدنی «هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. در این مورد خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم نماید، در غیر این صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه دعوا نماید.» مطابق ماده فوق، برای صدور قرار اناطه، غیر از منوط بودن رسیدگی به دعوا به اثبات ادعای مطروحه، شرایطی باید احراز گردد از جمله اینکه: الف: رسیدگی به امر «منوط

^۱ مراجع اختصاصی دادگستری عبارت‌اند از مراجعی که نصب و عزل «قضات» آن‌ها کلی یا جزئی از صلاحیت قوه قضائیه خارج است.

^۲ شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات دراک، ۱۳۸۵، ص ۷۹.



به «در صلاحیت دادگاه دیگر باشد. ب: امر «منوط به» قابل طرح و رسیدگی در دادگاه صالح باشد. ج: ادعا باید مقرون به دلایل موجه باشد. د: مدعی در اثبات امر «منوط به» ذی نفع باشد.^۱

آنچه که در این ماده آمده است، ظهور در اناطه دادگاه رسیدگی کننده به دادگاهی دیگر دارد. مثلاً اینکه دادگاه حقوقی به دادگاه کیفری یا به دادگاه حقوقی دیگر قرار اناطه صادر نماید. پرسشی که در بادی امر به ذهن می‌رسد این است که آیا دادگاه می‌تواند قرار اناطه به مراجع غیر قضایی مانند مراجع اداری صادر نماید؟ و به طور مشخص آیا هیئت داوری سازمان بورس و اوراق بهادار (به عنوان یک مرجع اختصاصی غیر دادگستری) می‌تواند قرار اناطه برای رسیدگی تخلف در مراجع تخلفاتی (که مرجعی اداری یا انضباطی محسوب می‌شود) صادر نماید؟ و در صورتی که پاسخ اجمالاً مثبت است آیا صلاحیت مراجع رسیدگی به تخلفات تفاوتی در امکان یا حکم به صحت صدور قرار اناطه می‌گذارد؟ توضیح آن که رسیدگی به تخلف از مقررات بازار سرمایه با توجه به دو ملاک شخص متخلف و مجازات پیش بینی شده در مقررات، در صلاحیت یکی از مراجع چهارگانه قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: کمیته رسیدگی به تخلفات، تشکل خود انتظام، هیئت رسیدگی به تخلفات و هیئت مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار آیا همه این مراجع صلاحیت اناطه پذیری را دارند؟

حقوق و مطالعات نوین

در پاسخ ممکن است گفته شود چنانچه شرایط قرار اناطه وجود داشته باشد، مانعی برای صدور آن وجود نخواهد داشت. بر این اساس هرگاه اثبات ادعای تخلف، مؤثر در پرونده بوده به گونه‌ای که رسیدگی به دعوا بدون بررسی تخلف امکان‌پذیر نباشد لازم است در صورت وجود شرایط، قرار اناطه صادر شود؛^۲ با توجه به اینکه اولاً رسیدگی به تخلف در صلاحیت هیئت داوری نبوده و در صلاحیت مراجع تخلفاتی است و ثانیاً تخلفات ارتكابی قابل رسیدگی است، چنانچه هیئت داوری، ادعا را مقرون به دلایل تشخیص داده و مدعی را ذی نفع بداند، قرار اناطه صادر خواهد کرد.

^۱ نوروزی، محمد، قرار اناطه در دعاوی حقوقی، نشریه کانون وکلای دادگستری، بهار ۱۳۸۴، شماره ۲، ص ۶۶.
^۲ ماده ۳ دستورالعمل «رسیدگی به تخلفات اشخاص موضوع ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار ج ۱۱ و دیگر اشخاص تحت نظارت سازمان» مصوب ۱۳۹۰.

^۳ در خصوص اینکه آیا صدور قرار اناطه به صلاحیت مراجع غیر دادگستری (اعم از شبه قضایی و اداری) امکان‌پذیر است یا خیر، دو نظر وجود دارد. مطابق یک دیدگاه از آنجا که ماده ۱۹ قانون آ. د. م فقط به دادگاه اشاره کرده و ذکری از مراجع دیگر به عمل نیاورده، قرار اناطه برای رسیدگی در مراجع غیر دادگستری مجاز نیست (زراعت، عباس، آیین دادرسی مدنی در نظام کنونی، تهران: انتشارات خط سوم، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴)؛ اما در مقابل دیدگاهی دیگر منظور مقنن از دادگاه در ماده ۱۹ مذکور را فراتر از مراجع دادگستری دانسته و معتقد است هرگاه رسیدگی به دعوایی منوط به رسیدگی به دعوای دیگری هر چند در مرجعی غیر از دادگاه باشد صدور قرار اناطه ضروری است (خدابخشی پالندی، حسن و محمد صادق قبادی نژاد، قرار اناطه حقوقی موضوع ماده ۱۹ ق. آ. د. م. و بحث‌های پیرامون آن، مجله دادرسی، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۷، شماره ۶۵، ص ۴۰).



اما به نظر می‌رسد پاسخ بیان شده، فاقد دقت و عمق لازم است برای یافتن پاسخ صحیح باید قرار اناطه را مورد بازنگری قرار دهیم. بررسی ماده ۱۹ ق.آ.د.م نشان می‌دهد، قرار اناطه مربوط به جایی است که مرجع رسیدگی کننده به امر «منوط به»، از مراجع رسیدگی به اختلاف بوده و به عبارتی دعوا ترافیعی باشد. در این صورت با صدور قرار اناطه، مدعی مکلف است ظرف یک ماه، نزد آن مرجع اقامه دعوا نماید، پس از تسلیم رسید اقامه دعوا به دفتر دادگاه دعوی اصلی، قرار توقیف دادرسی تا اعلام نتیجه ادعا، صادر خواهد شد؛ بنابراین قرار اناطه برای مدعی تکلیفی ایجاد می‌کند که در صورت عدم انجام آن قرار رد دعوا صادر می‌شود، به همین جهت قرار اناطه را نباید از قرارهای شبه قاطع دانسته بلکه این قرار از جمله قرارهای اعدادی است. به تعبیر دیگر، قرار اناطه صرفاً تکلیفی برای مدعی ایجاد می‌کند که در صورت انجام آن تکلیف، رسیدگی به پرونده تا صدور تصمیم، متوقف خواهد شد. چنانچه عمل به این تکلیف قانونی موضوعاً منتفی باشد، محملی برای صدور قرار اناطه وجود نخواهد داشت. با توجه به اینکه رسیدگی به تخلفات در مراجع تخلفاتی مطابق ماده ۵ دستورالعمل «رسیدگی به تخلفات اشخاص موضوع ماده ۳۵ قانون بازار اوراق بهادار ج.ا و دیگر اشخاص تحت نظارت سازمان مصوب ۱۳۹۰» صرفاً بر اساس گزارش معاونت‌ها، مدیریت‌ها یا اداره‌های سازمان یا گزارش تشکل‌های خود انتظام شروع می‌شود و فعالان بازار (اعم از سرمایه‌گذاران، نهادهای مالی، ناشران و تشکل‌های خود انتظام) نمی‌توانند نسبت به وقوع یا ارتکاب تخلف، طرح دعوا نموده با درخواست رسیدگی نمایند، به نظر می‌رسد صدور قرار اناطه موضوعاً منتفی خواهد بود؛ زیرا مدعی وقوع تخلف، امکان طرح آن نزد مرجع تخلفات را ندارد و همان‌گونه که گفتیم، صدور قرار اناطه برای اقامه دعوا نزد مرجع صالح بود. البته می‌توان گفت در این موارد با توجه به ملاک ماده ۱۹ ق.آ.د.م. هم در صورت تشخیص هیئت داورى مبنی بر مؤثر بودن ارتکاب تخلف در پرونده، قرار توقیف دادرسی تا تصمیم‌گیری مرجع رسیدگی به تخلفات صادر می‌شود و با ارائه تصمیم مرجع مورد اشاره دادرسی از توقیف خارج می‌شود تا با توجه به این تصمیم، رأی آن صادر شود (شمس، ۱۳۸۵: ۷۳۱). لذا با تغییر مرجع صالح به رسیدگی به تخلفات تفاوتی در حکم مسئله ایجاد نمی‌شود و در هر صورت صدور قرار اناطه توسط هیئت داورى به صلاحیت مراجع تخلفاتی موضوعیت ندارد.

آیا می‌توان در پرونده‌های اختلافی مطروحه در هیئت داورى بورس و اوراق بهادار، در صورت منوط بودن صدور رأی به تصمیم مرجع رسیدگی به تخلفات، قرار اناطه به صلاحیت مراجع تخلفاتی صادر نمود؟



در خصوص صدور قرار اناطه به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت این قرار که از جمله قراردادهای اعدادی بوده (و نه شبه قاطع دعوا) و صرفاً موجد تکلیفی برای خواهان است مبنی بر اینکه می‌بایست ظرف مهلت مشخصی در دادگاه صالح، اقامه دعوا کند و اثر این قرار این است که در صورت انجام تکلیف مقرر، قرار توقیف دادرسی صادر شده و در صورت عدم انجام تکلیف، قرار رد دعوا صادر می‌شود، از طرفی مطابق مقررات مربوطه رسیدگی به تخلف از مقررات بازار سرمایه در مراجع تخلفاتی، با گزارش نهادهای نظارتی آغاز می‌شود و شکایت و اقامه دعوا توسط ذی‌نفعان هیچ‌گاه عامل شروع به رسیدگی نیست؛ لذا صدور قرار اناطه به صلاحیت مراجع تخلفاتی موضوعاً منتفی به نظر می‌رسد. هرچند در موارد خاص که رسیدگی به اختلاف منوط به تعیین وقوع تخلف است، می‌توان قرار توقیف دادرسی تا تعیین حکم مرجع تخلفاتی صادر نمود.^۱

ج. قطعیت آرای هیئت داورى:

به موجب تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار «آرای صادر شده از سوی هیئت داورى قطعی و لازم‌الاجرا است و اجرای آن به عهده اداره‌ها و دواير اجرای ثبت اسناد و املاک می‌باشد». با توجه به تمایز ماهیت این مرجع از داورى اختیاری امکان درخواست ابطال آرای آن از دادگاه به موجب ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی نیز وجود ندارد. درباره قابلیت تجدید نظر خواهی آراء هیئت داورى دو نشست قضایی در سال ۱۳۸۹ برگزار گردید. در یک نشست قضایی نظر اکثریت قابل تجدید نظر بودن آراء هیئت داورى در دیوان عدالت بوده است^۲ و در نشست دیگر نظر اکثریت غیر قابل تجدید نظر بودن آراء هیئت داورى بود.^۳ این تفاوت دیدگاه نظر اکثریت در دو نشست قضایی فوق که یک سال بعد از وضع قانون بازار اوراق بهادار برگزار گردیده نشان می‌دهد از ابتدای وضع قانون در آن اختلاف نظر وجود داشته و این اختلاف همچنان باقی است. برخی قطعی دانستن آراء هیئت داورى در رأی صادره را قابل نقد دانسته‌اند چرا که عبارات تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار و واژگان «قطعی» و «لازم‌الاجرا» ملازمه‌ای با غیر قابل تجدید نظر بودن رأی در مراجع قضایی ندارد.^۴ همچنین می‌توان مثال‌هایی یافت مثل ماده ۲۶ قانون کار که آراء هیئت حل اختلاف

^۱ امین زاده، سید محمد، تحلیل حقوقی رأی هیئت داورى بورس در زمینه سبدگردانی از حیث ضمانت سودآوری و اناطه انضباطی، فصلنامه رأی، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۲۴، ص ۹۰.

^۲ مهدی پور، حمید، گزارش نشست قضایی استان، ماهنامه قضاوت، خرداد و تیر ۱۳۸۵، شماره ۳۸، ص ۲۳.

^۳ همان، ص ۲۵.

^۴ شهنیایی، احمد، نقد رویه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آراء هیئت داورى بازار اوراق بهادار، فصلنامه رأی، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۱، ص ۷۵.



ماده ۳۷ این قانون بر قطعیت آرای این هیئت نمی‌توان قابل تجدید نظر بودن آرای آن در دادگاه عمومی حقوقی را پذیرفت.^۱

بحث دیگر که در این خصوص مطرح است، امکان یا عدم امکان اعتراض به آرای این مرجع در دیوان عدالت اداری است.

در توجیه آن می‌توان این‌گونه استدلال کرد: «با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و ماده ۵ قانون بازار اوراق بهادار که صراحتاً آورده است «سازمان مؤسسه عمومی غیردولتی است...» و هیئت مدیره بورس و هیئت داورى نیز زیرمجموعه سازمان هستند و با توجه به تبصره ۴ ماده ۳۷ همان قانون از بودجه سازمان استفاده می‌نمایند و همچنین با عنایت به قانون تفسیر ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری در رابطه با قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۴/۰۷/۱۱ مجلس شورای اسلامی که صراحتاً آمده است «با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی به شکایات علیه مؤسسات و نهادهای عمومی احصا شده. در قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نیز در صلاحیت دیوان عدالت اداری می‌باشد.» هر چند قانون بازار اوراق بهادار بعد از قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی تصویب گردید (آذرماه ۱۳۸۴)، از وحدت ملاک قانون مذکور می‌توان استفاده نمود و آرای صادره از سوی هیئت مدیره بورس و هیئت داورى را قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری دانست. هرچند تبصره ۵ ماده ۳۷ قانون بازار اوراق بهادار این آرا را قطعی و لازم‌الاجرا دانسته است. با وجود این به نظر می‌رسد آرای این مرجع قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری نیست؛ زیرا آن‌گونه که از ماهیت این دیوان و نحوه تنظیم بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲ بر می‌آید؛ این دیوان مرجع رسیدگی به اعتراض از آرا و تصمیمات قطعی مراجع اداری از حیث نقض قوانین و مقررات است، در حالی که هیئت داورى بورس مرجعی غیر اداری محسوب می‌شود.^۳

^۱ حسینی، سید محمد امین، حدود صلاحیت هیئت داورى بورس و امکان سنجی تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داورى بورس، فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، زمستان ۱۳۹۹، شماره ۳۳، ص ۱۳۰.

^۲ در بند ۲ ماده ۱۰ این قانون در بیان موارد صلاحیت این دیوان آمده است «سیدگی به اعتراضات و شکایات از آراء و تصمیمات قطعی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و کمیسیون‌هایی مانند کمیسیون‌های مالیاتی، هیئت حل اختلاف کارگر و کارفرما، کمیسیون موضوع ماده (۱۰۰) قانون شهرداری‌ها منحصراً از حیث نقض قوانین و مقررات یا مخالفت با آنها»

^۳ شمس الهی، محسن، ماهیت حقوقی و حدود صلاحیت هیئت داورى بورس، بررسی‌های بازرگانی، بهمن و اسفند ۱۳۹۹، شماره ۱۰۵، ص ۱۱۱.



نتیجه گیری

رسیدگی به جرائمی که در بازار سرمایه متوجه فعالیت نهادهای مالی است صرفاً در صلاحیت دادگاه‌های دادگستری است. اما در خصوص تخلفات، هیئت مدیره سازمان به‌عنوان مرجع نهایی، صالح به رسیدگی نسبت به تخلفات مربوط به این نهاد مالی است. در مورد اختلافات باید نخست به کمیته سازش یکی از کانون‌های فعال در بازار سرمایه ارجاع گردد و چنانچه سازش حاصل نشد حل و فصل توافقی این اختلافات به هیئت داوری فرستاده شود. هیئت داوری بورس به‌عنوان یک مرجع تخصصی شبه قضایی برای رسیدگی به اختلافات فی مابین اشخاص شمارش شده در ماده ۳۶ قانون بازار اوراق بهادار تشکیل شده است. در خصوص هیئت داوری در این مقاله سه موضوع بررسی گردید. اول حدود صلاحیت هیئت داوری محدود به اختلافات ناشی از فعالیت حرفه‌ای فعالان بازار سرمایه است. مسئله دوم در خصوص صدور قرار اناطه توسط هیئت داوری، چنانچه شرایط قرار اناطه وجود داشته باشد، مانعی برای صدور آن وجود نخواهد داشت. بر این اساس هرگاه اثبات ادعای تخلف، مؤثر در پرونده بوده به‌گونه‌ای که رسیدگی به دعوا بدون بررسی تخلف امکان‌پذیر نباشد لازم است در صورت وجود شرایط، قرار اناطه صادر شود. مسئله سوم نیز مرجع صالح برای تجدید نظر خواهی از آرای هیئت داوری بود که دو مرجع محاکم عمومی حقوقی و دیوان عدالت اداری مدنظر حقوقدانان بود. صلاحیت محاکم عمومی حقوقی در خصوص رسیدگی به اعتراض از آرای هیئت داوری نقض قرض مقنن محسوب می‌شود چرا که مقنن برای رسیدگی تخصصی به اختلافات میان فعالان بازار سرمایه هیئت داوری را تشکیل داده است و سپردن صلاحیت تجدید نظر خواهی آراء هیئت تخصصی داوری به محاکم عمومی این هدف مقنن را زایل می‌سازد. در خصوص صلاحیت دیوان عدالت اداری نیز همین مسئله جاری است به علاوه اینکه آرای وحدت رویه متعددی از دیوان عدالت اداری در خصوص عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری به امور توافقی و قراردادی وجود دارد. از این رو طبق قانون فعلی بازار اوراق بهادار باید آرای هیئت داوری را قطعی بدانیم. با توجه به اهمیت مالی و اقتصادی دعاوی بورس و حق دادخواهی اشخاص بهتر است مقنن هیئتی را به‌عنوان مرجع تجدید نظر خواهی آرای هیئت داوری به وجود آورد. این هیئت باید از حیث تخصص و تعداد اعضا کارآمدتر از هیئت داوری بدوی باشد تا بتواند با نگاه عمیق درباره اعتراض به آرای هیئت داوری تصمیم‌گیری نماید.



منابع

- ۱- امین زاده، سید محمد، (۱۳۹۷)، تحلیل حقوقی رأی هیئت داورى بورس در زمینه سیدگردانی از حیث ضمانت سودآوری و اناطه انضباطی، فصلنامه رأی، پاییز، شماره ۲۴، صص ۸۳-۱۰۰.
- ۲- حسینی، سید محمد امین، (۱۳۹۹)، حدود صلاحیت هیئت داورى بورس و امکان سنجی تجدیدنظرخواهی از آراء هیئت داورى بورس، فصلنامه رأی (مطالعات آرای قضایی)، زمستان، شماره ۳۳، صص ۱۲۵-۱۳۶.
- ۳- خدابخشی پالندی، حسن و محمد صادق قبادی نژاد، (۱۳۸۷)، قرار اناطه حقوقی موضوع ماده ۱۹ ق.آ.د.م و بحث‌های پیرامون آن، مجله دادرسی، فروردین و اردیبهشت، شماره ۶۵، صص ۳۴-۴۰.
- ۴- زراعت، عباس، (۱۳۸۶)، آیین دادرسی مدنی در نظام کنونی، تهران: انتشارات خط سوم.
- ۵- سلطانی، محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بازار سرمایه، تهران: سمت، پژوهشکده تحقیق و علوم انسانی.
- ۶- سلطانی، محمد، (۱۳۹۲)، صلاحیت داورى موضوع قانون بازار اوراق بهادار، مجله تحقیقات حقوقی، تابستان، شماره ۶۳، صص ۲۷۵-۳۰۶.
- ۷- سوادکوهی، سام، (۱۳۸۸)، هیئت داورى بازار اوراق بهادار، تهران: انتشارات بورس.
- ۸- شکری، محمد؛ ایرانشاهی، علیرضا و ابراهیم تقی زاده، (۱۳۹۸)، امکان سنجی اعتراض به آرای هیئت داورى بورس؛ دیوان عدالت اداری یا محاکم دادگستری، فصلنامه حقوق اداری، پاییز، شماره ۲۰، صص ۱۷۷-۲۰۰.
- ۹- شمس الهی، محسن، (۱۳۹۹)، ماهیت حقوقی و حدود صلاحیت هیئت داورى بورس، بررسی‌های بازرگانی، بهمن و اسفند، شماره ۱۰۵، صص ۱۰۳-۱۱۶.
- ۱۰- شمس، عبدالله، (۱۳۸۵)، آیین دادرسی مدنی، تهران: انتشارات دراک.
- ۱۱- شهنیایی، احمد، (۱۳۹۴)، نقد رویه دادگاه‌ها مبنی بر عدم قابلیت اعتراض به آراء هیئت داورى بازار اوراق بهادار، فصلنامه رأی، تابستان، شماره ۱۱، صص ۷۳-۸۰.



- ۱۲- عبدی پور فرد، ابراهیم، (۱۳۹۳)، مباحثی تحلیلی از حقوق تجارت، انتشارات: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۱۳- مهدی پور، حمید، (۱۳۸۵)، گزارش نشست قضایی استان، ماهنامه قضاوت، خرداد و تیر، شماره ۳۸، صص ۱۵-۲۵.
- ۱۴- میرزائی منفرد، غلامعلی، (۱۳۹۰)، حقوق بازار اوراق بهادار (بخش اختلافات)، تهران: نشر میزان.
- ۱۵- میرزائی منفرد، غلامعلی، (۱۳۸۷)، سازوکارهای حل و فصل اختلافات در بازار سرمایه ایران، تهران: انتشارات بورس.
- ۱۶- نوروزی، محمد، (۱۳۸۴)، قرار اناطه در دعاوی حقوقی، نشریه کانون وکلای دادگستری، بهار، شماره ۲، صص ۶۱-۷۱.

حقوق و مطالعات نوین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Dealing disputes in the arbitration board with emphasis on the issuance of a warrant

Parisa Khodayari¹ / Mahmood Pakbaz Kataj²

Abstract

Financial institutions in the capital market are related to other components of this market or among their elements based on laws and regulations. Violation of these laws and regulations causes anomalies in the system that governs them, which can lead to crimes or violations and lead to legal prosecution and, accordingly, punishment and disciplinary punishments. Sometimes, disputes may arise between the elements of financial institutions in relation to each other or third parties, which are not necessarily caused by the violation of criminal regulations, but harm their order and efficiency. Anyway, in order to guarantee the rights of investors and regulate the relations of their other components, in addition to the set of rules and regulations, the guarantee of judicial and quasi-judicial enforcement is also provided in the laws and regulations. In this article, let's examine the nature of the Stock Exchange Arbitration Board and its position in Iran's judicial system, the limits of its jurisdiction, the ability to protest votes, and the possibility of requiring the issuance of a warrant if necessary conditions are provided.

keywords: violation, crime, dispute, investigating authorities.

¹ Specialized doctorate in financial management, financial law, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University. (Corresponding Author)

p.khodayari95@gmail.com

² Specialized doctorate in financial management, financial engineering, Faculty of Economics, Management and Accounting, Yazd University.

pakbazmahmood@yahoo.com

